

به نام پروردگاریت

**ریشه‌یابی زمینه‌های انحطاط دولت صفویه**  
(از آغاز تا فروپاشی)

دکتر محسن بیگدلی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

### ریشه‌یابی زمینه‌های انحطاط دولت صفویه

(از آغاز تا فروپاشی)

مؤلف: دکتر محسن بیگدلی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

صفحه‌آرا: جابر شیخ‌محمدی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۴۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: بیگدلی، محسن، ۱۳۴۷-

عنوان و نام پدیدآور: ریشه‌یابی زمینه‌های انحطاط دولت صفویه (از آغاز تا فروپاشی) / محسن بیگدلی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۹۱ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک: 978-622-7689-35-8

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۵ - ۱۹۱؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.

موضوع: Iran -- History -- Safavids, 1502 - 1736

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: DSR۱۷۶

رده بندی دیوییپ: ۹۵۵/۰۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۶۸۴۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

## فهرست

۵	مقدمه
۹	کلیات
۱۰	درآمدی بر پژوهش‌ها و منابع دوره صفویه
	فصل اول: ریشه‌های درونی انحطاط در بنیان حکومت
۱۷	درآمد
۲۱	۱.۱ صفویان و قزلباش‌ها
۲۲	۱.۱.۱ چگونگی تعامل شاهان صفوی با قزلباش‌ها
۲۲	۱.۱.۱.۱ شاه اسماعیل اول و قزلباش‌ها
۲۹	۲.۱.۱.۱ شاه تهماسب اول و قزلباش‌ها
۴۵	۳.۱.۱.۱ شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده و قزلباش‌ها
۵۴	۲.۱.۱ تقابل اهل شمشیر و اهل قلم
۸۷	۲.۱ تشکیلات شیعی
۸۸	۱.۲.۱ شاه اسماعیل اول
۱۰۰	۲.۲.۱ از شاه طهماسب اول تا شاه عباس اول
۱۰۳	۳.۲.۱ شاه اسماعیل دوم
۱۰۷	۳.۱ جنبش‌های اجتماعی

۴ ریشه‌یابی زمینه‌های انحطاط دولت صفویه

فصل دوم: ریشه‌های درونی انحطاط در اوج حکومت

۱۱۴	درآمد
۱۲۰	۱.۲ ساخت مجدد حکومت
۱۲۰	۱.۱.۲ تحدید قدرت قزلباش‌ها
۱۲۸	۲.۱.۲ اصلاحات اداری و نظامی
۱۳۶	۳.۱.۲ اصلاحات اقتصادی
۱۴۲	۲.۲ شیوه‌ جانشین‌پروری
۱۴۲	۱.۲.۲ چگونگی تربیت شاهزادگان
۱۵۳	۲.۲.۲ جانشینی براساس تصادف «خویشاوندی»
۱۵۸	۳.۲ ساخت مذهبی

فصل سوم: ریشه‌های درونی انحطاط در اواخر حکومت

۱۶۳	۱.۳ ازهم‌گسیختگی سیاسی
۱۷۲	۲.۳ خواجه‌سرایان در دربار صفوی
۱۷۷	۳.۳ افزایش قدرت علما
۱۸۵	کتاب‌نامه

## مقدمه

سقوط اصفهان و غلبه افغان‌ها بر ایران بی‌تردید یکی از وقایع دردناک و قابل تأمل در تاریخ ایران است و مسئولیت سیاسی آن نیز در بیشتر منابع بر عهده شاه سلطان حسین صفوی نهاده شده است. اما باید این حقیقت را در نظر داشت که سقوط و انحطاط ساختاری سیاسی مستلزم شکل‌گیری و تقابل مجموعه‌علل در طول زمان است. از این منظر نمی‌توان سقوط حکومت عظیمی چون صفویه را معلول یک علت، یک نفر و یا یک دوره زمانی خاص از آن حکومت دانست. در واقع، مجموعه‌علل درونی و بیرونی لازم است تا روند انحطاط یک حکومت شکل بگیرد.

مهم‌ترین ویژگی حکومت صفویان ایجاد ساختار سیاسی یکپارچه و پایا پس از قرن‌ها از هم‌گسیختگی سیاسی در ایران بود که سبب استمرار دو دهه نظام سیاسی، سنت و فرهنگ ایرانی شد. به گفته رویمر، این دوره شاخص‌هایی داشت که آن را از سایر دوره‌ها متمایز می‌کرد: احیا و استمرار سنت پادشاهی، شکل‌گیری جغرافیای تاریخی ایران، شکل‌گیری نهادهای نظامی و سیاسی جدید، توسعه مذهب تشیع به مثابه مذهب رسمی، ترویج اسلام ایرانی، نفوذ و تعالی زبان فارسی در سیاست و دیوان، رشد و تحول فرهنگی به‌ویژه در زمینه معماری و حیات فکری.

تاریخ حکومت رسمی صفوی با برتخت نشستن شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ق) آغاز شد، در دوره شاه عباس به اوج و با شکست شاه سلطان حسین از افغان‌ها به پایان رسید. هر کدام از این سه مرحله ویژگی‌هایی داشتند که آن را از دوره‌های دیگر

متمایز می‌کرد. اما فرایند واحدی نیز از ابتدای دوره صفویه و به‌ویژه با سلطنت شاه اسماعیل آغاز شد، در دوره شاه عباس اول به اوج رسید و در دوره شاه سلطان حسین به انحطاط کشیده شد؛ و آن ساختار سیاسی حکومت صفوی بود که به‌رغم استمرار ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در دوره‌های بعد، نتوانست ادامه یابد و با حمله افغان‌ها به پایان رسید. در این سه دوره ساختار سیاسی حکومت صفویه به‌رغم آغاز و رشد در دو دوره اول، در دوره سوم به انحطاط کشیده شد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با شمردن ویژگی‌های خاص هر دوره تأثیر آن‌ها را در شکل‌گیری دوره سوم (انحطاط صفوی) بررسی کرد.

از این دیدگاه، مورخان دوره شاه اسماعیل را به چهار دوره تقسیم می‌کنند: تغییر و بدعت دینی همزمان با شکل‌گیری فرمانروایی صفوی بر پایه مذهب تشیع و فرهمندی؛ استقرار حکومت بر پایه دو عنصر ایرانی (تاجیک) و ترکمان (ترک) در ارتش و نظام اداری صفوی؛ سرکوب آشوب‌های داخلی و تهاجم خارجی که به نبرد چالدران منتهی شد. در این جنگ سپاه صفوی شکست خورد و مهم‌ترین پیامد آن برای شاه اسماعیل شکل‌گیری دوره چهارم از سلطنت او یعنی از دست دادن شخصیت فرهمندی وی بود که نقطه عطفی در دوران او محسوب می‌شود و این امر سبب دوری‌گزینی او از امور کشوری شد.

تهماسب در ۹۳۰ قمری جانشین پدرش، اسماعیل، شد. او ابتدا تحت قیمومت یکی از امرای قزلباش بود، سرانجام پس از ده سال توانست اقتدار خود را به مدت ۵۲ سال تداوم بخشد. مهم‌ترین ویژگی حکومت او تثبیت مرزهای کشور و ایجاد ثبات پایدار بود. در روزگار او ازبکان پنج بار به خراسان حمله کردند و عثمانی هم در زمان سلطان سلیمان دوم چهاربار ایران را عرصه تاخت و تاز خود قرار داد. این شرایط سرانجام به صلح آماسیه با عثمانی و همچنین شکست ازبکان انجامید.

دوره دوم با حکومت شاه عباس اول آغاز شد. شاه عباس اول دولت صفوی را از دولتی ترکی-ایرانی به جامعه‌ای چندفرهنگی تغییر داد، هر چند آغازگر

سیاست تغییرات جمعیتی را باید شاه تهماسب اول دانست که عناصر نژادی جدیدی را از مناطق قفقاز به ایران کوچ داد و بخشی از آن‌ها تحت عنوان غلامان خاصه شریفه به خدمت دولت صفوی درآمدند. این سیاست در دوره شاه عباس اول به اوج رسید. شاه عباس حکومت سرزمینی را به ارث برد که بخش اعظم قلمرو آن را عثمانی و ازبکان اشغال کرده بودند و قزلباشان صاحب قدرت بدون چون و چرا بودند. شاه عباس در مدتی کوتاه موفق شد قزلباش‌ها را مطیع کند و دشمنان خارجی را از مرزهای ایران بیرون کند. مهم‌ترین ویژگی‌های دوره حکومت او را می‌توان قدرت متمرکز، امنیت مرزها، ایجاد زیرساختارهای جدید، حمایت از فرهنگ و معماری، ایجاد ثبات عمومی، شکوفایی اقتصاد و درعین حال به سبب تمرکز قدرت در دست شاه، تربیت نکردن شاهزادگان برای امور حکومتی دانست.

میراثی که شاه عباس هنگام مرگ برای صفی میرزا باقی گذاشت کشوری بود با مرزهای گسترده که از بغداد تا قندهار و از خراسان تا جزایر هرمز امتداد داشت. او توانست با بهره‌گیری از نیروهای فعال و کارآمد، که از مرکز قدرت هم دور بودند، نیروهای نظامی را مهار و قزلباش‌های وفادار به خود را از امیران چپاولگر جدا کند و با یاری قدرت نظامی توانمندی که ایجاد کرد غرب و شرق کشور را از حملات عثمانی و ازبکان خلاص کند و با استفاده از موقعیت‌های مناسب با قدرت‌های رقیب عثمانی در اروپا ارتباط برقرار کند و مناسبات تجاری و بازرگانی فراهم کند. اما پس از مرگ شاه عباس قدرت و شکوه صفوی، در مدتی کمتر از یکصد سال، با بی‌کفایتی اخلافش به انحطاط و سرانجام به نابودی کشیده شد؛ چرا که به‌رغم ساختار ظاهری محکم حکومتی، ساختار انسانی آن ضعیف بود و یارای اداره این قلمرو عظیم را، که مهم‌ترین ویژگی آن تنوع فرهنگی و مذهبی بود، نداشت.

محسن بیگدلی

تهران، مهر ۱۴۰۰





## کلیات

حکومتی که شاه اسماعیل اول صفوی در ۹۰۷ قمری برپا کرد حکومتی مذهبی مبتنی بر آیین تشیع بود. او به مدد مقام مرشد کامل خود توانست سلطنت خود را در تبریز اعلام کند و به پیروزی‌هایی دست یابد. قزلباشان، مهم‌ترین عامل قوام و دوام حکومت شاه اسماعیل، بیشتر از قبایل ترکمان آناتولی، سوریه و آذربایجان بودند که به تدریج اهمیت و قدرتشان تا اواسط حکومت صفویان، در دوران شاه عباس اول، کاهش یافت. ایران از این دوره به تدریج وارد عصر جدید شد. از این رو، دوره صفوی را مقطع مهمی در تاریخ ایران دانسته‌اند؛ چرا که ایرانی‌ها در پی کسب هویت خود به تکاپو پرداخته‌اند.

سلسله صفوی نزدیک به دو قرن و نیم استمرار داشت. با توجه به تأثیر درازمدت نتایج و دستاوردهای این دوره تا زمان حال، می‌توان این سلسله را در حل و فصل مشکلات ناشی از امور نظامی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی تا حدی موفق دانست. این مشکلات ناشی از عدم‌سازش و دمسازی نیروهای موجود در جامعه بود؛ نیروهای عشایری و شهری، ترک و تاجیک، اهل شمشیر و اهل قلم، چادر نشین دامدار و یک‌جانشین کشاورز، اهل تصوف و تشیع. در واقع، موفقیت صفویان در میزان به‌کارگیری و همسازی با این عوامل بود که به آن‌ها در مقایسه با پیشینیانشان برتری می‌داد.

در این دوره نعمت و فراوانی حاصل شد، امنیت بر راه‌ها گسترده شد و تجارت و بازرگانی شکوفا شد، تساهل و تسامح مذهبی برقرار شد و در سایه این امر اقلیت‌های مذهبی آسودند، مهاجمان خارجی از مرزها عقب رانده شدند،

هنر و صنعت رشد چشم‌گیری یافت. ساختار نظامی صفوی، به‌رغم فشارهای داخلی و خارجی، مدت ۲۲۵ سال در اوج بود تا این دولت در سال ۱۱۳۵ قمری به دست افغان‌ها سقوط کرد. بی‌شک سلطه صفویه در دوره شاه عباس کبیر به اوج اعتلای خود رسیده بود، اما پس از مرگ وی سیر نزولی این سلسله آغاز شد. درباره چگونگی فروپاشی دولت صفویه، سؤال‌ها و نظریه‌های مختلفی بیان شده است که هر یک در جایگاه خود ارزشمند و معتبرند؛ از جمله اینکه: چه عواملی سبب تثبیت دولت صفویه شد؟ عللی که در ابتدای تأسیس حکومت صفویه سبب تثبیت آن شد چه تأثیری در انحطاط آن داشت؟ و سؤالی که پژوهش حاضر درصدد پاسخ به آن است اینکه: عوامل تثبیت‌کننده دولت صفوی در سه دوره «شکل‌گیری، اوج و انحطاط» چه تغییراتی کرد؟

### درآمدی بر پژوهش‌ها و منابع دوره صفویه

مطالعات و تحقیقات مربوط به دلایل فروپاشی دولت صفویه از دیدگاه‌های متفاوتی در داخل و خارج کشور برخوردار است. پژوهش‌های صفویه‌شناسی به معنای جدید آن در ایران را می‌توان از خلال آثار بزرگانی چون عباس اقبال، نصرالله فلسفی، دکتر احسان اشراقی، مرحوم دکتر عبدالحسین نوایی و بسیاری آثار دیگر دنبال کرد. البته در این زمینه نباید از اقدامات ارزنده‌ای که در زمینه چاپ و تصحیح متون مربوط به صفویه استادان بزرگوار انجام داده‌اند غفلت کرد که هر یک اطلاعات ارزشمندی در زمینه موضوع فوق را داراست. در همین زمینه از استاد بزرگوار خود، دکتر احسان اشراقی، بابت زحماتش در تصحیح متون متعدد *چون نقاره/الآثار افوشه‌ای نظنزی و خلاصة‌التواریخ قاضی احمد قمی* باید قدردان و سپاس‌گزار بود. در این باره آثار گران‌بهایی نیز در خارج ایران تألیف و سپس به زبان فارسی برگردانده شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به اثر پُرازش لائنس لکه‌هارت با عنوان *انقراض سلسله صفویه و استیلای افغان‌ها در ایران* اشاره

## کلیات ۱۱

کرد. کتاب با ارزش هانس روبرت رویمر با عنوان *ایران در راه عصر جدید*، که آذر آهنجی آن را ترجمه کرده، نمونه دیگری است. بی شک هر یک از کتب مورد نظر با دیدگاه‌های خاص خود به موضوع مورد نظر پرداخته‌اند.

گفتنی است دوره صفویه از نظر تعدد منابع تاریخ‌نگاری از غنی‌ترین دوره‌ها در تاریخ ایران شمرده می‌شود. بیشتر منابع این دوره به دستور و درخواست شاهان تألیف می‌شد و همچنین مورخان برای درج اعمال و رفتار آنان و برای بیان سپاس از وجود و امنیت ایجاد شده توسط آنان و تقرب به مرکزیت قدرت به این امر مبادرت می‌ورزیدند. اما محوریت بیشتر منابع این دوره تاریخ سیاسی و اقدامات شاه و بزرگان دربار و بیان وقایع در قالب بینش مذهبی و صوفیانه بود. براین اساس، تاریخ‌نگاری این دوره را بیشتر می‌توان نوعی تاریخ‌نگاری سیاسی و در مرحله دوم دینی دانست.

مورخان این دوره بر مبنای نوع شغل و گرایش سیاسی و دینی به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه نخست علمای دینی که با القابی چون قاضی، ملا و گاهی نیز منشی معروف بودند. فضل‌الله ابن روزبهان ختجی مؤلف *عالم‌آرای امینی*، قاضی احمد غفاری مؤلف *تاریخ جهان‌آرا*، قاضی احمد قمی مؤلف *خلاصه التواریخ*، ملاجلال‌الدین منجم مؤلف *تاریخ عباسی* از این زمره‌اند. آثار این گروه به دلیل اشتغال در مشاغل مرتبط با مسائل دینی رنگ و بوی دینی و مذهبی به خود گرفته است و حکومت مذهبی مبنای تاریخ را تشکیل می‌دهد.

گروه دوم دیوان‌سالاران و منشیان اهل قلم بودند که مورخان زبردست نیز محسوب می‌شدند و همچنین به سبب دسترسی به اسناد و مدارک و نزدیکی به وقایع اخبارشان درخور توجه است و سندیت بیشتری دارد. حسن بیگ روملو مؤلف *احسن التواریخ*، اسکندر بیگ ترکمان مؤلف *عالم‌آرای عباسی*، بوداق منشی قزوینی مؤلف *جوهر الاخبار* از این گروه‌اند.<sup>۱</sup>

---

۱. آرام، محمدباقر (۱۳۸۶). *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*. تهران: امیرکبیر، صص ۱۹۵-۱۹۶.

آنچه توجه مورخان دوره صفوی را به قدرت جلب می‌کرد معلول چگونگی قرارگیری در هرم قدرت بود؛ الگویی که کاملاً سیاسی و مبتنی بر ارکان قدرت بود. اقشار مختلف اجتماعی برحسب میزان دوری و نزدیکی به منابع قدرت منزلت سیاسی و منزلت اجتماعی پیدا می‌کردند و در نتیجه مورد توجه مورخان قرار می‌گرفتند. شاه و خاندان سلطنتی در رأس این هرم قرار داشتند و از آنجا که از منزلت سیاسی و دینی توأمان برخوردار بودند، در کانون توجه مورخان هم بودند.<sup>۱</sup> افزون بر منابعی که مورخان داخلی به نگارش درآورده‌اند، این دوره از حیث فزونی سفرنامه‌ها نیز حایز اهمیت است. سفرنامه‌هایی که مسافران اروپایی نوشته‌اند در قالب هیئت‌های سیاسی، مذهبی، سیاح و تاجر بود که به ایران سفر کرده بودند و مشاهدات خود را، که حاوی داده‌های ارزشمند سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران درباره ایران عصر صفویه بود، به نگارش درآوردند.

#### الف) آثار مورخان ایرانی:

تاریخ شاه اسماعیل صفوی که مؤلف آن نامعلوم است و به شرح رویدادهای روزگار شاه تهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) پرداخته است.

تاریخ حبیب‌السیر اثر خواندمیر تاریخی عمومی است که بخش چهارم جلد چهارم آن به سلطنت شاه اسماعیل اول صفویه و سلسله ترکمانان آق‌قویونلو پرداخته است.

تاریخ جهانگشای خاقان: این کتاب در زمان شاه تهماسب اول و یا بعد از مرگ او به نگارش درآمده است و برخی وقایع تاریخ شاه اسماعیل اول را به صورت زنده و بسیار هنرمندانه با مینیاتور نشان می‌دهد.

خلاصه‌الخبار اثر بوداق منشی قزوینی است. بنابر تصریح قزوینی، از سنین جوانی به کار دیوانی اشتغال داشت. در این اثر به برخی مسائل اجتماعی اشاره

### کلیات ۱۳

شده است و اوضاع اقتصادی و درآمد مشاغل مختلف در زمان تهماسب اول و سطح رفاه جامعه تشریح شده است. از جمله به برخورداری‌های برابر ترک و تاجیک، وجود امنیت در جامعه و آثار آن در رفاه عمومی، وجود نظم و قانون در صدور حواله‌های مالیاتی و رفاه رعیت در سایه آن پرداخته است.

از اواخر حکومت تهماسب اول تا پایان حیات شاه عباس اول را می‌توان دوره آرامش و امنیت و از تب‌وتاب افتادن تلاش برای برقراری حکومت دانست. در نتیجه این اوضاع جدید، مسائل اجتماعی در معرض توجه بیشتری قرار گرفت. *نقاره‌الآثار و تاریخ عالم‌آرای عباسی* از منابع نمونه این مرحله محسوب می‌شوند. *نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخبار اثر محمود ابن هدایت‌الله افوشه‌ای* نطنزی در تاریخ صفویه از واپسین ایام زندگی شاه تهماسب اول تا یازدهمین سال پادشاهی شاه عباس اول (۱۰۰۷ق) است. این کتاب از حیث پرداختن به حوادث پس از مرگ شاه تهماسب اول و بروز اختلاف و هرج و مرج بین سران قزلباش در امر جانشینی مهم است.<sup>۱</sup>

*تاریخ عالم‌آرای عباسی* اثر مورخ بزرگ عصر صفوی اسکندر بیگ ترکمان ملقب به منشی است. او به اسناد دولتی دسترسی داشت و همچنین شاهد عینی و یا شریک بسیاری از وقایع سیاسی بود. اطلاعات ارزنده این اثر درباره انواع مالکیت ارضی و قبایل چادر نشین و امیران آن‌ها، از هم‌پاشیدن قدرت امیران محلی و قیام‌های مردمی در خور توجه است.<sup>۲</sup>

*خلاصه‌السير* اثر محمد معصوم خواجگی اصفهانی، از درباریان شاه صفی، در تاریخ وقایع و حوادث سراسر روزگار پادشاهی شاه صفی است. این اثر افزون بر پرداختن به تاریخ جنگ‌های داخلی و خارجی این دوره به برخی از مسائل مدنی و اجتماعی روزگار صفویان نیز پرداخته است. داده‌های کتاب درباره شورش

۱. ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰). *تاریخ‌نگاری عصر صفویه*. شیراز: نوید، صص ۵۷ - ۵۸.

۲. همان، ۶۱.

نقطویان و غوغای گیلان، غریب‌شاه و کشتار شاهزادگان و فرماندهان لایق عصر شاه عباس از اهمیت برخوردار است.

خلاصه‌التواریخ اثر قاضی احمد قمی شامل تاریخ صفویه از دوره شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا سلطنت شاه عباس اول به صورت وقایع‌نگاری و خالی از هرگونه تحلیل است. او با وجود وابستگی به دربار در برابر اقدامات ظالمانه حکومت لحنی صریح و انتقادی دارد.

تاریخ سلطانی اثر سیدحسن ابن مرتضوی حسینی استرآبادی، مورخ دربار شاه سلطان حسین صفوی، تاریخی عمومی است که بخش سوم آن حوادث دوران بین زندگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا پایان حکمرانی شاه صفوی را دربر می‌گیرد. این کتاب از این منظر که به شرح زندگی نیاکان شاهان صفوی پرداخته درخور توجه است.

دستور شهریاران اثر محمدابراهیم ابن زین‌العابدین نصیری شاید تنها منبع تاریخی به زبان فارسی که حوادث شش سال اول حکومت سلطان حسین صفوی را مورد توجه قرار داده است. مؤلف مسئول نوشتن صورت‌جلسات مجلس مشورت سلطنتی و ثبت و ضبط وقایع جاری دربار بود و از این دید اطلاعات این کتاب مهم است.

تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار اثر خواندمیر تاریخی عمومی است و اهمیت آن برای تاریخ صفویه بیشتر در جلد سوم آن است که به حوادث سال‌های ۸۷۳ق یعنی سال وفات سلطان ابوسعید گورکان تا ۹۳۰ق یعنی اواخر روزگار شاه اسماعیل اول پرداخته است. نویسنده خود شاهد وقوع حوادث بود، به‌ویژه وقایع خراسان و هرات در اوایل قدرت یافتن شاه اسماعیل اول و رویارویی او با شیبک‌خان ازبک حایز اهمیت است.

رستم‌التواریخ اثر محمدهاشم آصف ملقب به رستم‌الحکماست که به رویدادها و حوادث زمان شاه سلطان حسین صفوی تا اواسط پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار پرداخته است.

**ب) سفرنامه‌ها:**

این دسته از منابع نیز برای مورخان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان جزء منابع دست‌اول به شمار می‌رود و حاوی اطلاعات ارزشمندی در ابعاد گوناگون به‌ویژه زندگی عامه مردم است. سفرنامه‌نویسان اغلب افرادی دقیق و جزئی‌نگر بودند و در تصویرسازی وقایع تبحر داشتند. همچنین از آنجا که این گروه اغلب به دربار وابسته نبودند و بیشتر از اتباع حکومت هم نبودند از نوشتن واقعیت‌ها بیمی نداشتند. دوره صفویه نیز از این امر مستثنا نیست و جزء دوره‌هایی است که به واسطه رفت‌وآمد اروپایی‌ها و خارجی‌ها به ایران و دربار ایران و همچنین توسعه روابط اقتصادی از این منظر غنی است.

*سفرنامه شاردن* سیاح معروف فرانسوی. او در مدت اقامتش در ایران در زمان شاه عباس دوم اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی ایران را به طور دقیق مطالعه کرده و گزارش دقیقی از وضع ایران در سفرنامه‌اش ارائه کرده است. وی ده جلد کتاب نگاشت و مطالب کتابش در خصوص ایران را از جلد دوم شروع کرد؛ مانند بسیاری از سفرنامه‌نویسان اروپایی عامل اساسی انحطاط ایران را نظام خودکامه آن می‌داند و با تکیه بر تجزیه دگرگونی‌هایی در ساختار اجتماعی و نهادهای سیاسی اروپا و بیشتر از آن اندیشه‌ای ایجاد شده بود که شالوده آن دگرگونی‌ها و خاستگاه مشروعیت آن نیز به شمار می‌آید، برخی از علل انحطاط و الزامات خروج از آن وضعیت را برمی‌شمارد.<sup>۱</sup>

*سفرنامه کروسینسکی*. او از مبلغان عیسوی لهستانی است که در زمان شاه سلطان حسین دوبار به ایران آمد. وقتی محمود افغان شهر اصفهان را محاصره کرد، کروسینسکی شاهد سقوط شهر و کشت و کشتار و بی‌سروسامانی اهالی اصفهان بود.<sup>۲</sup>

۱. طباطبائی، سیدجواد (۱۳۸۴). *دیباچه بر نظریه انحطاط*. تهران: نشر نگاه معاصر، ص ۴۳۰.  
 ۲. لکه‌هارت، لارنس (۱۳۶۴). *انقراض سلطه صفویه*. ترجمه مصطفی قلی عماد. تهران: مروارید، صص ۵۷۱-۵۷۷.

ژان باتیست تاورنیه در عصر شاه صفی و شاه عباس دوم شش بار به ایران سفر کرد. او در سفرنامه‌اش داده‌های زیادی درباره‌ی اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران دوران صفویه ارائه می‌کند. سفرنامه‌ی او حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی راه‌ها و شهرهای دوره‌ی صفوی است و مبسوط‌ترین نقشه‌ی جغرافیایی ایران را در دوره‌ی صفویه ارائه می‌کند.

سفرنامه‌ی سانسون نیز حاوی داده‌هایی از اواخر دوره‌ی صفویه است. او در دوره‌ی شاه سلیمان صفوی به ایران آمد و به مدد حضور در دربار با بسیاری از خصوصیات دربار و حکومت ایران و آداب و رسوم ایرانی‌ها آشنایی پیدا کرد. او شرح مفصلی درباره‌ی شاه و ویژگی‌های او، تشکیلات درباری، تعداد امرای بزرگ، مشاغل مهم و شکوه و جلال دربار و سرگرمی‌ها تفریحات شاه، خزانه‌ی شاه و عواید قشون شاه ارائه کرده است. همچنین اطلاعاتی که درباره‌ی نقش روحانیان، خواجه‌سراها و وضع حرمسرا می‌آورد شایان توجه است.

آدام اولناریوس از جانب فردریک، دوک ناحیه‌ی هولشتاین، در زمان شاه صفی برای خرید ابریشم به روسیه و ایران سفر کرد. حاصل سفر اولناریوس کتاب ارزنده‌ای درباره‌ی سفرش به شرق به‌ویژه ایران به نام یادداشت‌های تازه درباره‌ی سفر خود به مشرق‌زمین است. اولناریوس چون به زبان فارسی و ترکی آشنا بود، مشاهدات خود را به شکل دقیق به رشته‌ی تحریر درآورده و مسائل را با دقت بسیار مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار داده است.



## فصل اول

### ریشه‌های درونی انحطاط در بنیان حکومت

#### درآمد

شاه اسماعیل زمانی اداره ایران را در دست گرفت که تعامل عقاید و وقایع به مراحل زیر به وقوع پیوسته بود:

۱. جهت‌گیری روحانی به بیگانگانی و درماندگی سیاسی انجامیده بود؛
۲. گروه‌بندی‌های زاهدانی و حاکمیت‌ستیز جاذبه پیدا کرده بودند؛
۳. عناصری که از قدرت سیاسی پیرامون کانون «روحانی» دور و یا با آن دشمن بوده‌اند گسترش پیدا کرده بودند؛
۴. درهم‌تنیدگی کشمکش‌های اصلی قدرت برای تسلط بر شمال‌غرب و شرق ایران که با تهاجم دولت‌های همسایه نیز همراه بود.<sup>۱</sup>

شاه اسماعیل در این برهه توانست با یاری گرفتن از شرایط موجود حکومتی پایدار برقرار کند؛ حکومتی که پایه‌های آن بر بهره‌گیری از نیروهای نظامی و سیاسی برای تشکیل پایه‌های ایالاتی قدرت و همچنین مؤلفه‌های ایدئولوژیک برای دستیابی به موفقیت و کامیابی قرار داشت. این ویژگی‌های عمومی عامل عمده‌ای در شکل‌گیری و تکوین قدرت صفوی بود، ولی باید توجه داشت

---

۱. بنانی، امین، دارلی دران؛ راجر سیوری؛ و دیگران (۱۳۸۰)، تاریخ صفویان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی، ص ۱۸۲.

پایه‌های قدرت صفوی از مجموعه‌ای از عناصر تشکیل شده بود. بی‌شک این عناصر به‌تنهایی شرایط لازم و کافی برای شکل‌دهی به پایه‌های حکومت صفوی را نداشتند. صفویان برای رسیدن به قدرت فقط از تصوف و تشیع یاری نجستند. این دو عامل اعتقادی و معنوی به‌تنهایی نمی‌توانند سبب کسب قدرت شوند، بلکه با تقویت و تکمیل سایر مؤلفه‌ها مانند هویت ملی یا جغرافیایی سبب استمرار و تداوم حکومت شدند.

رهبر جوان طریقت صفوی، که از خاندان زمین‌دار ایرانی که درعین حال از نسل یک قبیله ترکمن و همچنین دودمان بیزانسی بود، با قبایل قزلباش قدرت را در ایران به دست گرفت و حکومتی مذهبی تأسیس و مذهب شیعه اثنی‌عشری را رسمی اعلام کرد. به قول هینتس: «حکومت واحد ملی ایران، که به دست صفویه تأسیس شد، وجود خود را مدیون جماعتی از مردان است که براساس عقاید و افکار مذهبی تشکیل شده بود.»<sup>۱</sup>

دوره حکومت شاه اسماعیل اول را می‌توان در چهار مؤلفه اصلی بیان کرد: بدعت دینی در آغاز و بنیان حکومت صفوی؛ دوگونگی ایرانی - ترکمانی یا تاجیک - ترکی در ارتش و ساختار اداری حکومت صفوی؛ نبرد چالدران که در آن سپاهیان شاه اسماعیل از عثمانی‌ها شکست خوردند و در پایان کناره‌گیری شاه اسماعیل از امور کشوری است.

دوره سلطنت شاه اسماعیل اول دوره‌ای از تحول و توجیه بود. در این دوره تلاش برای ضمیمه تشکیلات صوفیانه طریقت صفوی به سازمان دیوانی دولت صفوی انجام گرفت؛ نظام جدید و هنوز «تجربی» دیوان صفوی تلاش کرد تا بلکه بر مشکلات برخاسته از درگیری قدرت بین شماری از مقامات عمده دولتی و درگیری بنیادی عناصر ترک و تاجیک در دولت صفوی فایق آید.

---

۱. هینتس، والتر (۱۳۷۱). شاه اسماعیل دوم صفوی. ترجمه کیکاووس جهانداری. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱.

قدرت شاه اسماعیل یکم به هنگام جلوسش بر سه بنیاد استوار بود: نخست، حق الهی شاهان ایرانی که خاستگاهی کهن و باستانی داشت؛ دوم، ادعای نیابت امام غایب که به‌اکراه از سوی علما پذیرفته شد؛ سوم، نقش شاه در مقام «مرشد کامل» فرقه صفویه و صفویان رزمجویی که صفویان را به قدرت رسانیده بودند.<sup>۱</sup>

تاریخ‌نگاران در تفسیر نیمه اول حکومت شاه اسماعیل بر سیاست مذهبی متعصبانه او، که بر نظام قزلباش و ایلی و روستایی در ایران مبتنی بود، تأکید می‌کنند. ولی این سیاست در تعارض با سنت سیاسی دیگری به صورت اعتدال مذهبی، زبان فارسی، شهری، دیوان سالار بود. تاریخ‌نگاران اشاره می‌کنند که سیاست اولی بر آرتش و سیاست دومی بر دستگاه دیوان سالاری سنتی ایران مسلط بود. اگر این موضوع درست باشد، باید شاه اسماعیل را به خاطر داشتن مهارت سیاسی و قدرت برقراری توازن بین دو سیاست مزبور تحسین کرد.<sup>۲</sup>

شکست چالدران در رجب ۹۲۰ بیش از هر چیز به معنای درهم شکستن شخصیت شاه اسماعیل در جایگاه مرشد کامل و حامل اقتدار کاریزماتیک بود. این وضعیت سبب شد شاه اسماعیل در مابقی دوران سلطنت خود به امور حکومتی بی‌توجهی پیشه کند و اوقات خود را بیشتر از گذشته صرف شراب و شکار و برگزاری مراسم جشن و طرب کند. یحیی ابن عبدالطیف قزوینی در گزارش مرگ شاه اسماعیل تحت تأثیر رفتارهای او در سال‌های پس از شکست چالدران آورده است: «حضرت اعلی شکار دوست بودند و در فصول اربعه در گرما و سرما هرگز از آن شغل خالی نبودند. در حق سادات و علما و فضلا پیوسته انعام

---

۱. سیوری، راجر (۱۳۸۰). *در باب صفویان*. ترجمه رمضان علی روح‌الهی. تهران: نشر مرکز، ص ۱۴۲.

۲. گارثویت، جین رالف (۱۳۸۷). *تاریخ سیاسی ایران «از شاهنشاهی هخامنشی تا کنون»*. ترجمه غلامرضا علی بابایی. تهران: نشر اختران، ص ۲۹۸.

وافر کرده، سیور غالات بسیار بدیشان و سایر طبقات ارزانی داشته و در هر کس بدیده شفق نظر کرده مرتبه آن کس به چرخ اثیر و فلک رسیده.<sup>۱</sup> این شرایط بهترین زمینه برای بروز اختلافات دیرین میان اویماق‌های قزلباش بود.

در ۱۹ رجب ۹۳۰ شاه اسماعیل مؤسس دولت صفویه درگذشت. شاه اسماعیل از همان ابتدا با چند مشکل عمده روبه‌رو شد:

- مشکل چگونگی ادغام تشکیلات صفویان طریقت صفویه که وی مرشد کامل آن بود در نظام اجرایی دولت جدید که پادشاه آن بود.

- مشکل چگونگی آشتی دادن «مردان شمشیر» یعنی نظامیان نخبه ترکمن، که در به قدرت رسیدن او نقش مهمی ایفا کردند، با «اهل قلم» یعنی ایرانی‌های دیوان‌سالار که صاحب میراثی کهن از مهارت‌های تخصصی بودند و برای کارکرد سهل دستگاه حکومتی به آن‌ها متکی بود.

- مشکل ترغیب روحیه رزمندگی شیعی و درعین حال جلوگیری از تسلط قدرت طبقات روحانی کشور.

- مشکل تثبیت فرمانروایی صفوی در داخل مرزهای سنتی ایران (دفاع اغتشاشات داخلی) و سپس دفاع از این مرزها در برابر همسایگان قدرتمند سنی در شرق و غرب.

شاه اسماعیل با برخورداری از چهره‌ای کاریزماتیک و استعداد رهبری توانست به یاری سایر مؤلفه‌های پیش‌گفته حکومت صفوی را بنیان نهد. اما، چنان‌که بیان شد، با مشکلاتی مواجه بود که برطرف نشدن آن‌ها می‌توانست پایه‌های حکومت را متزلزل کند. اگر به‌نیکی به مشکلات پیش‌گفته نگریسته شود، این مشکلات از بطن مؤلفه‌هایی برخاسته بودند که سبب شکل‌گیری حکومت

---

۱. قزوینی، یحیی ابن عبداللطیف (۱۳۸۶). *لب‌التواریخ*. به تصحیح هاشم محدث. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۴۲۲.